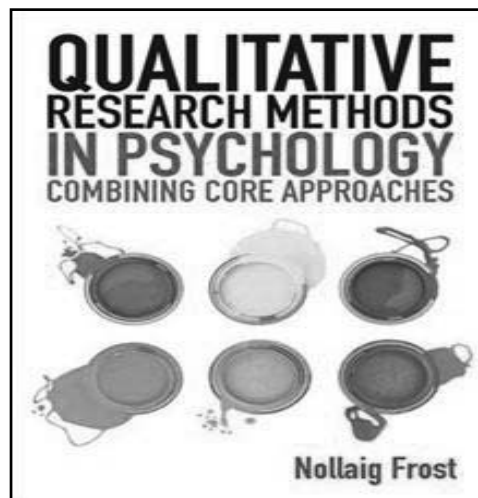


# روش‌های پژوهش کیفی در روان‌شناسی: ترکیب رویکردهای بنیادی

■ دکتر یزدان منصوریان<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه خوارزمی

– که در آن پژوهشگران به توصیف و تفسیر پدیده‌های اجتماعی از نگاه افرادی می‌پردازند، که این پدیده‌ها را عملاً تجربه کرده‌اند. دسته سوم نیز روش‌های نظریه‌ساز<sup>۵</sup> – مانند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد – است که در آنها محقق قصد دارد نظریه‌ای تازه را در بافت اجتماعی مشخصی مطرح سازد؛ نظریه‌ای که ممکن است دامنه کاربرد آن به بافت‌های مشابه تعمیم‌پذیر باشد، یا فقط به همان بافت محدود شود. البته تعیین این تعمیم‌پذیری به کمک مطالعات کمی میسر خواهد بود. اما تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که در آن میزان کاربرد و کارایی هر یک از روش‌ها در رشته‌ای خاص، مبنا قرار می‌گیرد. کتاب روش‌های پژوهش کیفی در روان‌شناسی: ترکیب رویکردهای بنیادی، یکی از آثار جدیدی است که استفاده از چهار روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، پدیدارشناسی، تحلیل گفتمان، و پژوهش روایی<sup>۶</sup> را در روان‌شناسی بررسی کرده است.



Frost, Nollaig (Ed). *Qualitative Research Methods in Psychology: Combining Core Approaches*. Buckingham: Open University Press, 2011, ix, 223 p. ISBN: 978-0-33-524151-4.

## درباره نویسندگان

کتاب حاضر محصول همکاری پنج نویسنده است که با سرپرستی دکتر نولیک فراست<sup>۷</sup> تدوین این اثر را بر عهده داشتند. دکتر فراست، استادیار گروه روان‌شناسی در دانشگاه میدلسکس<sup>۸</sup> انگلستان، سال‌هاست به تدریس روش‌های پژوهش کیفی مشغول است و در مطالعات خود نیز از این روش‌ها بهره می‌گیرد. او از سال ۲۰۰۶ سرپرستی پروژه‌های گسترده و مفصل با عنوان «تکثیرگرایی/ کثرت‌گرایی در پژوهش‌های کیفی»<sup>۹</sup> را در این دانشگاه بر عهده دارد و در سال‌های اخیر نیز آثار متعددی در این زمینه منتشر کرده است. مقالاتی همچون «تکثیرگرایی در مطالعات کیفی: یافته‌هایی اکتشافی از مطالعه‌ای با رویکرد ترکیبی»، فراست (۲۰۰۸)؛ «کیفیت در پژوهش‌های کیفی»، فراست و کینموند (۲۰۱۱)؛ و «تکثیرگرایی در رویکرد کیفی: تأثیر حضور محققان و رویکردهای گوناگون در تحلیل داده‌های کیفی» فراست و دیگران (۲۰۱۰) از جمله این آثارند.

دکتر سیکدم اسپین<sup>۱۰</sup>، عضو هیئت علمی مطالعات روان‌شناسی در دانشگاه لندن، نویسنده دیگر این اثر است که بیشتر به مطالعات روایی<sup>۱۱</sup> و تعاملات فرهنگی اجتماعی علاقه‌مند است. او در

## مقدمه

محققان علوم انسانی و اجتماعی روش‌های پژوهش کیفی را به شکل‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌کنند. برخی از این دسته‌بندی‌ها بر اساس کارکردها و کاربردهای این روش‌هاست، و برخی دیگر بر مبنای چگونگی اجرای آنها، مثلاً بسته به اینکه محقق درصدد ساخت نظریه‌ای تازه باشد، یا بخواهد تجربه زیسته گروهی از افراد را از پدیده‌ای مشخص بررسی کند، ممکن است به ترتیب از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و پدیدارشناسی بهره گیرد. تیج (۱۹۹۰) انواع مطالعات کیفی را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند. یکی روش‌های زبان‌مدار<sup>۲</sup> – نظیر تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان<sup>۳</sup> – که در آن محققان بیشتر به ساختار و محتوای زبان و چگونگی کاربرد آن در تعاملات اجتماعی و ساخت معنا توجه دارند. دسته دوم روش‌های توصیفی/تفسیری<sup>۴</sup> – نظیر پدیدارشناسی و قوم‌نگاری

**دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی، مدیریت، بازرگانی، علوم تربیتی، علوم ارتباطات، علم اطلاعات و دانش‌شناسی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند**

**کتاب روش‌های**

**پژوهش کیفی**

**در روان‌شناسی:**

**ترکیب رویکردهای**

**بنیادی، یکی از آثار**

**جدیدی است که**

**استفاده از چهار**

**روش نظریه‌پردازی**

**داده‌بنیاد،**

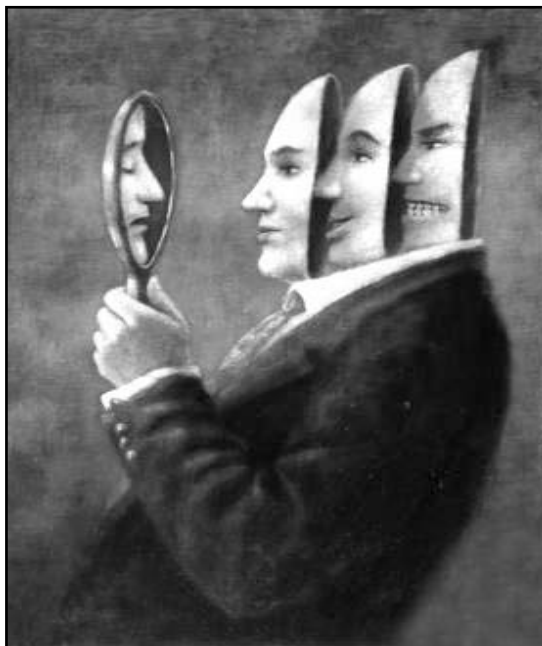
**پدیدارشناسی،**

**تحلیل گفتمان، و**

**پژوهش روایی را در**

**روان‌شناسی بررسی**

**کرده است**



و استفاده همزمان از آنها را نیز خواهند آموخت. به باور نویسندگان کتاب، به رغم تمام شباهت‌هایی که روش‌های کیفی دارند، هر یک از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که فرصتی منحصر به فرد در اختیار محققان قرار می‌دهند. مثلاً نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بیشتر برای پاسخ به پرسش‌هایی مناسب است که به چگونگی و چرایی رخداد‌های مختلف در فرایندهای روان‌شناختی اختصاص دارند. در مقابل، تحلیل گفتمان راهکاری برای شناخت کاربرد زبان در تعاملات انسانی است و ابزاری برای شناخت بهتر محتوای پیام‌ها و انگیزه‌های پیرامون آن است. پدیدارشناسی نیز روشی برای فهم چگونگی معنابخشی افراد به تجربه‌های زیسته و دنیای اطرافشان است. روش روایی نیز برای معنابخشی به روایت‌های انسان‌هایی است که باورها، نگرش‌ها و پندارهای خود را در قالب روایت‌های شخصی بیان می‌کنند. فصل دوم اختصاصاً دربارهٔ وجوه مختلف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است، که در آن ضمن اشاره به تاریخچهٔ پیدایش و تحول این روش، چگونگی کاربرد آن در عمل و ملاحظات نظری در این زمینه بررسی شده است. علاوه بر این، نویسنده

کارنامهٔ خود آثاری در زمینهٔ این مطالعات دارد، نظیر فصلی از کتاب دستنامهٔ تحلیل داده‌های کیفی با عنوان «تحلیل روایی: رویکردی ساخت‌گرا» (اسین و دیگران، ۲۰۱۳).

دکتر آماندا هالت<sup>۱۲</sup>، متخصص روان‌شناسی جنایی و عضو هیئت علمی دانشگاه پورتموث<sup>۱۳</sup> انگلستان است که مطالعات مفصلی در زمینهٔ مسائل نوجوانان و خانواده‌ها و همچنین خشونت‌های خانگی و اجتماعی دارد و در این مطالعات به وجوه روش‌شناختی آن توجه ویژه‌ای داشته است (هالت، ۲۰۱۲).

دکتر سواستی ملیسا نولاس و نینا شاینبورن<sup>۱۴</sup>، دو نویسندهٔ دیگر این کتاب، در گروه روان‌شناسی دانشگاه میدلسکس مشغول به کارند. کارنامهٔ پژوهشی دکتر نولاس نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، زمینهٔ اصلی فعالیت وی روان‌شناسی رشد بوده و بیشتر به رویکردهای روایی و قوم‌نگاری در مطالعات خود علاقه‌مند است و آثاری در این زمینه دارد (نولاس، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۱). دکتر شاینبورن نیز مطالعاتی با رویکرد کیفی در زمینهٔ مشاورهٔ خانواده و به‌ویژه مشاوره به زنان برای ترک اعتیاد دارد و در این مطالعات، از روش‌های مختلف کیفی استفاده می‌کند.

**معرفی کتاب**

کتاب حاضر شامل دو بخش اصلی و نه فصل است. بخش نخست که پنج فصل را در بر می‌گیرد پس از یک فصل مقدماتی دربارهٔ رویکرد کیفی در پژوهش، چهار روش برگزیده در این مطالعات را به عنوان روش‌های پرکاربرد معرفی می‌کند: نظریه‌پردازی داده‌بنیاد؛ پدیدارشناسی؛ تحلیل گفتمان؛ و پژوهش روایی.

فصل اول با مقدمه‌ای جذاب آغاز می‌شود که در آن نویسنده با استناد به محبوبیت روزافزون رویکرد کیفی در میان روان‌شناسان، نشان می‌دهد که حداقل در انگلستان اکنون رویکرد کیفی از حاشیهٔ مطالعات روان‌شناسی به متن وارد شده، جایگاهی تثبیت شده یافته و بسیاری از محققان کارایی آن را تأیید می‌کنند. در ادامهٔ این فصل، نویسنده با اشاره به هدفی که در این کتاب دنبال می‌شود، به خوانندگان این نوید را می‌دهد که با مطالعهٔ این اثر، ضمن آشنایی با چهار روش پرکاربرد در رویکرد کیفی، چگونگی ترکیب

با تبیین بنیان‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی که زیرساخت این روش را می‌سازند، به خواننده نشان می‌دهد که با کمک این روش چه پرسش‌هایی قابل طرح و بررسی هستند و چه دستاوردهایی از کاربرد آن باید انتظار داشت.

در فصل سوم با عنوان «تحلیل پدیدارشناختی تفسیری»<sup>۱۵</sup> توصیف مفصل و جامعی از کاربرد این روش در شناخت تجربه‌های زیسته افراد و چگونگی معنابخشی آنان به این تجربه‌ها ارائه می‌شود. در این فصل، خواننده می‌آموزد که چگونه می‌توان جهان را از نگاه جامعه‌مورد مطالعه دید؛ و با آنان به فهمی مشترک رسید. ضمن آنکه محقق باید همواره به یاد داشته باشد که این فهم مشترک فقط در چارچوب بافتی از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی قابل دسترسی است. بنابراین، نقش محقق در این روش و دانسته‌های او از این بافت نقش مهمی در معنابخشی به پدیده‌های مورد بررسی دارد.

فصل چهارم به معرفی تحلیل گفتمان اختصاص دارد. تحلیل گفتمان، روشی کیفی برای شناخت چگونگی ساخت دانش در بافت‌های اجتماعی مشخص است. در این روش محقق تلاش می‌کند ضمن شناخت دامنه و عمق دانش موجود در زمینه‌ای معین، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های پنهان در این بافت را مشخص سازد و ترسیم روشن‌تری از آن ترسیم کند.

فصل پنجم کتاب درباره روش‌های روایی یا حکایه است که در آن روایت هر یک از شرکت‌کنندگان از پدیده مورد مطالعه در تحقیق به عنوان واحد تحلیل انتخاب می‌شود. محقق با بررسی هر یک از این روایت‌ها از وجوه مختلف سعی دارد چگونگی معنابخشی افراد از پدیده‌های مورد بررسی را درک کند و به فهم تازه‌ای در این زمینه برسد. در این فصل، مسیر حرکت این روش از رشته‌های علوم اجتماعی و چگونگی ورود آن به روان‌شناسی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم درباره استفاده همزمان از چند روش کیفی در مطالعه‌های واحد است که تا کنون در کمتر اثری در این حوزه به آن توجه شده است. زیرا معمولاً وقتی صحبت از روش ترکیبی است، هدف ترکیب روش‌های کمی و کیفی است. اما در این فصل با پیشنهاد ترکیب روش‌های کیفی رویکردی تازه مطرح شده و از آن با عنوان «تکثرگرایی فایده‌مدار در پژوهش»<sup>۱۶</sup> و «پژوهش چندمنظری»<sup>۱۷</sup> یاد می‌شود.

فصل هفتم در تکمیل مباحث فصل ششم، به معرفی روش‌های تحلیل و تفسیر داده‌های گردآمده در مطالعات کیفی ترکیبی می‌پردازد. تأکید این فصل بر ژرف‌نگری و تأمل محقق بر داده‌های پژوهش است و آنان را تشویق می‌کند با تکیه بر مبانی هستی‌شناسی تفسیری نظیر «ساختن‌گرایی اجتماعی» پدیده مورد مطالعه را از منظر تجربه عینی افرادی

که در تحقیق مشارکت داشتند بررسی کند. علاوه بر این، سطوح مختلفی از تفسیر داده‌ها در این فصل معرفی می‌شود که در طیفی از «توصیف همدلانه» تا «هرمنوتیک انتقادی»<sup>۱۸</sup> متغیر است.

فصل هشتم به چگونگی نگارش گزارش مطالعات کیفی اختصاص دارد. دکتر فراست، نویسنده این فصل، به روشنی تأکید می‌کند که در رویکرد کیفی، نوشتن گزارش نهایی تحقیق، بخشی از پژوهش است، و نه وظیفه‌ای که پس از پایان تحقیق به طور مستقل انجام شود. به سخنی دیگر، پژوهشگر با نوشتن همچنان در حال تفکر و تأمل درباره یافته‌های تحقیق است و همین فرایند خود بخشی از اندیشیدن و کشف کردن است. ضمن آنکه در این فصل تأکید می‌شود صدای پژوهشگر در متن گزارش باید کاملاً مشهود و واضح باشد و خواننده با خواندن آن خود را مخاطب محقق بداند و نظر و دیدگاه او را بشنود.

فصل نهم نیز که در واقع فصل پایانی کتاب است، نوعی جمع‌بندی از مباحث فصول قبلی است و اشاره‌ای نیز به زمینه‌های کاری پیش روی محققان در این زمینه دارد.

#### امتیازها و کاستی‌ها

کتاب حاضر، نثری بسیار روان و ساختاری کاملاً منسجم دارد. به این ترتیب خواننده پس از مرور بخش کوتاهی از کتاب به مطالعه بخش‌های دیگر ترغیب می‌شود. مشارکت چند نویسنده در تدوین این اثر نیز بر غنای محتوای آن افزوده است و خواننده را با طیف وسیعی از دیدگاه‌ها درباره محور اصلی بحث کتاب آشنا می‌کند. از سوی دیگر، همه اعضای تیم نویسندگان این اثر، صاحب سال‌ها تجربه مستقیم در آموزش و به‌کارگیری روش‌های کیفی هستند، که انعکاس این تخصص و تجربه در محتوای کتاب مشهود است.

امتیاز دیگر این اثر خلاقیت و نوآوری نویسندگان در ارائه طرحی تازه برای ترکیب روش‌های کیفی و برخورداری از نگاهی جامع و چندوجهی در پژوهش است؛ موضوع بسیار مهمی که در بسیاری از کتاب‌های روش پژوهش مغفول مانده است.

نکته مثبت دیگر این اثر، طرح پرسش‌های مسئله‌مدار در فصول مختلف کتاب است، که خوانندگان را به تأمل و تفکر بیشتر درباره مباحث هر فصل تشویق می‌کند. مروری بر این پرسش‌ها نشان می‌دهد که نویسندگان مهارت کافی در برقراری پیوند میان مباحث نظری و عملی تحقیق دارند و به خوبی می‌توانند این مهارت را در اختیار خوانندگان قرار دهند. در کنار امتیازهای این اثر، کاستی‌هایی جزئی نیز در آن مشاهده می‌شود. نخست آنکه برخلاف عنوان اثر که دامنه موضوعی این کتاب را در قلمرو علم روان‌شناسی معرفی می‌کند، سهم مباحث روان‌شناسی در آن کمتر از انتظار

15. Interpretative Phenomenological Analysis (IPA)
16. Pragmatics of Pluralistic Qualitative Research
17. Multiperspectival Research
18. From Empathic Descriptive to Critical Hermeneutics

خواننده است، به نحوی که کتب حاضر بیش از آنکه اثری مختص روان‌شناسان باشد، رویکردی عمومی دارد. البته شاید از منظری دیگر همین ویژگی کتاب بتواند امتیازی برای آن محسوب شود، زیرا جامعه مخاطبان آن را فراتر از یک رشته قرار می‌دهد.

کاستی دیگر این اثر، افراط در طرح مباحث نظری و فقدان مثال‌های کافی عینی و عملی در کتاب است. به ویژه برای دانشجویان علاقه‌مند به رویکرد کیفی، اشاره به مثال‌های واقعی جذابیت و کاربرد بیشتری از مباحث نظری دارد.

مآخذ

Esin, G; Fathi, M. and Squire, C. (2013) Narrative Analysis: the Constructionist Approach, In Uwe Flick (ed) Sage Handbook of Qualitative Data Analysis. CA: Sage Publications.

Frost, N. A (2008), Pluralism in Qualitative Research: Emerging Findings from a Study Using Mixed Qualitative Methods, Qualitative Methods in Psychology Section Newsletter, pp.16-21.

Frost, N. A & Kinmond. K. (2011) Quality Issues in Qualitative Research, In Gibson (ed) Writing Excellent Qualitative Research Dissertations, CA: Sage Publications.

Frost, N. A, Nolas, S-M, Brooks-Gordon, B., Esin, C., Holt, A., Mehdizadeh, L. & Shinebourne, P. (2010) Pluralism in Qualitative Research: the impact of different researchers and qualitative approaches on the analysis of qualitative data', Qualitative Research, 10(4), 421-461.

Holt, A. (2012) Researching Parent Abuse: A Critical Review of the Methods, Social Policy and Society, Vol. 11, No. 2, pp. 289-298.

Holt, A & Pamment, N (2011) The Challenges of Researching 'Young Offenders': Making inroads using Assisted Questionnaires, International Journal of Social Research Methodology, Vol. 14, No. 2, pp. 125-133.

Nolas, Sevasti-Melissa (2011) Stories as indicators of practical knowledge: Analysing project workers' talk from a study of participation in a youth inclusion programme. Journal of Community and Applied Social Psychology, Vol. 21, No.2, pp. 138-150.

Nolas, Sevasti-Melissa (2009) Between the Ideal and the Real: Using Ethnography as a Way of Extending Our Language of Change. Qualitative Research in Psychology, Vol. 6, No. 1-2. pp. 105-128.

Tesch, Renata (1990) Qualitative Research: Analysis Types and Software Tools, London and Philadelphia: Falmer Press.

### سخن پایانی

در مجموع، کتاب روش‌های پژوهش کیفی در روان‌شناسی: ترکیب رویکردهای بنیادی، اثری جامع، روزآمد و سودمند در معرفی چهار روش پرکاربرد در رویکرد کیفی است، که برخلاف عنوان آن، فقط به حوزه روان‌شناسی محدود نمی‌شود. به این ترتیب، دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی، مدیریت، بازرگانی، علوم تربیتی، علوم ارتباطات، علم اطلاعات و دانش‌شناسی می‌توانند از آن استفاده کنند. ضمناً نظر به متن سلیس و روان این اثر، ترجمه آن نیز می‌تواند راهکار مؤثری برای گسترش جامعه مخاطبان آن باشد.

### پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@khu.ac.ir
2. Language Oriented Methods
3. Content Analysis and Discourse Analysis
4. Descriptive/Interpretive Methods
5. Theory Building Methods
6. Grounded Theory, Phenomenology, Discourse Analysis, and Narrative Analysis
7. Nollaig Frost ([http://www.mdx.ac.uk/aboutus/staffdirectory/Nollaig\\_Frost.aspx](http://www.mdx.ac.uk/aboutus/staffdirectory/Nollaig_Frost.aspx))
8. Middlesex University in London (<http://www.mdx.ac.uk/>)
9. Pluralism In Qualitative Research
10. Cigdem Esin (<http://www.uel.ac.uk/lss/staff/cigdemesin/>)
11. Narrative Research
12. Amanda Holt (<http://www.port.ac.uk/departments/academic/icjs/staff/>)
13. University of Portsmouth (<http://www.port.ac.uk/>)
14. Sevasti-Melissa Nolas and Pnina Shinebourne

### برخلاف عنوان اثر که

دامنه موضوعی این

کتاب را در قلمرو علم

روان‌شناسی معرفی

می‌کند، سهم مباحث

روان‌شناسی در آن

کمتر از انتظار خواننده

است